

تحلیل حقوقی و اقتصادی خلق پول و دلالت‌های آن برای نظام قضایی

جواد اقدس طینت^۱

چکیده

تحلیل حقوقی و اقتصادی فرایند خلق پول چه دلالت‌هایی برای نظام قضایی دارد؟ در این مقاله به شکل توصیفی تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اسنادی، بحث می‌شود که پدیده «خلق پول و افزایش نقدینگی» از نظر حقوقی و اخلاقی امری خنثی نبوده، بلکه ذات فرایند فنی و حسابداری خلق پول، ماهیتی حقوقی داشته و با وظایف و مأموریت‌های کلان نظام قضایی از منظر «برقراری عدالت»، «صیانت از حقوق عامه» و «شناسایی و حذف بسترهای فسادزا» ارتباط جدی دارد. بررسی نظام پولی و بانکی کشور نشان می‌دهد که بانک‌ها و افراد مرتبط با آن‌ها می‌توانند بدون کار و تولید و از طریق خلق پول، برای خود قدرت خرید کسب نمایند. افزایش حجم نقدینگی به معنای افزایش حجم کل مقدار ریال در اقتصاد است، اما این افزایش ریال به شکل مساوی یا متناسب بین عموم مردم تقسیم نشده یا حتی بیشتر آن نصیب دولت و پروژه‌های توسعه‌ای کشور نمی‌شود. خالقان ریال از این ریال جدید برای خرید کالا و خدمات و سفته‌بازی در بازار دارایی (مسکن، طلا، دلار و سهام) و در قیمت‌های قبل از تورم استفاده کرده و ثروت خود را به زیان سایر اقشار جامعه افزایش می‌دهند. توجه جامعه حقوقی و نظام قضایی به این فرایند ضروری بوده و شناخت ماهیت فرایند خلق پول و جزئیات آن پیش شرط هر نوع مداخله سیاسی یا قضایی برای جلوگیری از تقلب و فساد در پول ملی و صیانت از حقوق عامه در حوزه پول و بانک خواهد بود.

واژگان کلیدی: اقتصاد پول، پول سالم، حقوق خلق پول، صیانت از حقوق عامه، فساد پولی و بانکی.

۱. عضو هیأت علمی پژوهشکده قوه قضاییه، تهران، ایران

درآمد

«بدهی بانک‌ها در نظام بانک‌داری مبتنی بر ذخیره جزئی پول محسوب می‌شود و بانک‌ها از طریق وام‌دهی و یا سرمایه‌گذاری مستقیم، پول جدید خلق می‌کنند. این امکان غیر از بانک مرکزی که یک نهاد عمومی به شمار می‌آید، تنها در اختیار بانک‌ها قرار دارد که منافع درخور توجهی برای آن‌ها در پی خواهد داشت؛ چرا که به راحتی می‌توانند از فرصت‌های ایجاد شده برای سفته‌بازی و کسب سود استفاده کنند» (حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۷: ۴۵). بانک‌های امروزی از نظر عملکرد، وارثان تاجرانی قدیمی هستند که «رسید بدهی» آن‌ها در سراسر کشور معتبر بوده و به دلیل این اعتبار بالا، رسید بدهی آن‌ها به عنوان ثمن معامله پذیرفته شده و نقش پول را بازی می‌کرده است. صرافان و تاجران قدیم (و بانک‌های قدیمی) عدد بدهی خود را روی کاغذ می‌نوشتند و به عنوان رسید به دست طلبکار می‌دادند؛ طلبکار نیز این رسید را به عنوان پول مقبول دیگران خرج کرده و در نهایت این امکان وجود داشت تا صاحب رسید با مراجعه به مکان مورد توافق صراف/تاجر/بانک، سکه طلای خود را دریافت نماید. این رسیده‌های بدهی در هنگام بازگشت به صراف/تاجر/بانک و با بازپرداخت بدهی محو می‌شدند؛ به عبارت دیگر خلق پول به صورت انتشار رسید کاغذی بدهی صورت گرفته و در ادامه در صورت پرداخت بدهی، پول خلق شده کاغذی مجدداً محو می‌گردید. قابل تصور است که تاجران و بانک‌های قدیمی می‌توانستند از طریق صدور بی‌رویه این رسیده‌ها و با این فرض که بخش زیادی از رسیده‌ها هیچ‌گاه برنگشته و بازپرداخت نخواهند شد برای خود ثروت نامشروع کسب کنند. هدف اصلی از ایجاد بانک مرکزی و ایجاد انحصار چاپ این رسیده‌ها به شکل اسکناس توسط بانک مرکزی، جلوگیری از همین نوع سوءاستفاده بوده است، اما امروزه عمده پول در گردش دیگر حتی از جنس اسکناس بانک مرکزی (رسید کاغذی بدهی بانک مرکزی) نیز نیست، بلکه آن رسیده‌های کاغذی تبدیل به اعداد الکترونیک در حساب بانکی شده و دیگر انحصار تولید این اعداد نیز در دست بانک مرکزی نبوده و مجدداً بانک‌ها قدرت «خلق پول بدون محو» یا به عبارت دیگر قدرت «صدور رسید الکترونیکی بدهی بدون بازپرداخت» را دارا شده‌اند. امروزه خلق پول دیگر در انحصار بانک مرکزی نبوده و یا وابسته به خلق پول پر قدرت توسط بانک مرکزی

نیست، بلکه بانک مرکزی صرفاً نقش تنظیم‌گر نظام پولی را ایفا کرده و خلق پول در نظام بانکی حالت درون‌زا پیدا نموده است، به گونه‌ای که دیگر بانک مرکزی از طریق افزایش یا کاهش پایه پولی قادر به کنترل خلق پول توسط بانک‌ها نیست، بلکه پایه پولی مورد نیاز شبکه بانکی به شکل درون‌زا و خودبه‌خود و طی یک عملیات حسابداری ایجاد می‌شود.^۱

فهم چگونگی خلق پول الکترونیکی توسط بانک‌ها به وضوح فهم چگونگی خلق پول کاغذی نبوده و لذا سوءاستفاده و فساد مذکور از دید مردم و سیاست‌گذاران و همچنین نظام قضایی پنهان باقی مانده است. چنانچه این امکان «خلق پول» به شکل متناسب با «محو پول» همراه نباشد، رانت بسیار بزرگی نصیب بانک‌ها می‌سازد. با چنین خلق پولی مجموع پول در جریان افزایش می‌یابد (نقدینگی افزایش می‌یابد)؛ مجموع قدرت خرید پولی جامعه افزایش یافته و چون قدرت خرید ایجاد شده ناشی از کار و تولید نبوده است (تولید ثابت مانده) شاهد افزایش سطح عمومی قیمت‌ها و ایجاد تورم در قیمت‌ها خواهیم بود. این قدرت خرید پولی و موهومی اضافه شده به جامعه که پشتوانه تولیدی نداشته و ناشی از کار و تولید نیست به شکل مساوی بین همه تقسیم نمی‌شود،^۲ بلکه بانک‌ها و افراد مرتبط با بانک و همچنین گیرندگان تسهیلات کلان بانکی از آن بهره می‌برند، اما نتیجه آن یعنی تورم برای همه مردم خواهد بود. تورم نیز برای فقرا و اغنیا یکسان عمل نمی‌کند، بلکه باعث افزایش ثروت اغنیا شده و تشدید فقر فقرا و کاهش قدرت خرید کارگران و حقوق بگیران را در پی دارد. عامه مردم از این فرایند آسیب دیده و عده‌ای معدود سود می‌برند. آسیب‌دیدگان

۱. بنگرید به: McLeay, Radia & Thomas, ۲۰۱۴؛ عیسوی، ۱۴۰۲؛ کاظمی نجف‌آبادی و حاجی‌پور، ۱۴۰۱؛ مؤمنی، شاکری و مقیسه، ۱۳۹۹؛ حسینی دولت‌آبادی، ۱۳۹۷؛ روحانی، ۱۳۹۷؛ پیغامی، ۱۳۹۴.

۲. در ادبیات اقتصادی، پول خلق شده جدید که به شکل مساوی تقسیم می‌گردد با فرضی غیرعملی و با عنوان «پول هلی کوپتری» شرح داده می‌شود. فرض کنید یک هلی‌کوپتر از آسمان بر سر همه به شکل یکنواخت پول می‌ریزد، چنین پول‌پاشی باعث افزایش یکنواخت و هم‌زمان قیمت‌ها خواهد شد، اما به دلیل این یکنواختی و هم‌زمانی دریافت و خرج کرد آن بین همه مردم، رفاه هیچ‌کس تغییر مثبت یا منفی نمی‌کند، اما اگر پول به شکل یکنواخت پخش نشود باعث افزایش رفاه عده‌ای می‌شود که پول را قبل از ایجاد تورم دریافت کرده و قبل از افزایش قیمت‌ها آن را خرج نموده‌اند؛ سایرین (حقوق بگیران و سایر کسانی که دریافتی قراردادی با قیمت ثابت و غیرقابل تعدیل تا دوره بعد دارند) به دلیل عدم دریافت پول و افزایش قیمت‌ها با کاهش رفاه مواجه خواهند شد.

قادر به دفاع از حقوق خود نبوده و این وضعیت نیازمند توجه مدعی العموم خواهد بود. داستان فوق جزئیات فنی فراوانی دارد، اما در نهایت وضعیتی را به تصویر می‌کشد که دخالت (پیشینی و غیرمستقیم) مدعی العموم لازم می‌گردد؛ زیرا از طریق خلق بدون کنترل پول توسط بانک‌ها، «حقوق عامه» آسیب دیده و «سلامت» نظام پولی از دست رفته و شاهد بیماری اقتصادی و فساد خواهیم بود. بر همین اساس رانتِ خلق پول را می‌توان ریشه اصلی مفاسد پولی و بانکی دانست. چنانچه این ریشه شناسایی و کنترل گردد بخش عمده‌ای از پرونده‌های مفاسد پولی و بانکی هیچ‌گاه شکل نخواهند گرفت. در واقع شناخت این عامل ریشه‌ای و مبنایی، پیش‌نیاز تحول چرخش آفرین و هر گونه تغییرات در جهت‌گیری کلان نظام قضایی در خصوص کنترل مفاسد پولی و بانکی خواهد بود.

در حال حاضر مفاهیم و مصادیقی از حقوق عامه هم‌چون «بهداشت و سلامت عمومی»، «محیط زیست» و «منابع طبیعی» مورد توجه نظام قضایی و دادستانی هستند، اما مصداق بسیار مهمی از حقوق عامه یعنی سلامت «پول ملی» که ابزار مبادلات همه مردم و ترازو و مقیاس عمومی مبادلات بوده و محل ذخیره ارزش‌های اقتصادی است، مورد توجه نظام قضایی نیست. نه تنها نظام قضایی بلکه عموم مردم و حتی متخصصین و نخبگان غیراقتصادی نیز چندان با مفاهیم مرتبط با خلق پول آشنا نیستند. این موضوع به‌رغم اهمیتی که دارد و با وجود تعرض گسترده‌ای که از این مسیر به حقوق عمومی وارد می‌شود (تعرض و تقلب در پول)، جوانب مختلف آن چندان در سطح جامعه ترویج نشده است.

سند تحول قضایی، چارچوب اصلی تعیین راهبردها و نقشه راه نظام قضایی به شمار می‌رود. بر اساس این سند بالادستی، لازم است تا نظام قضایی چرخش‌های تحول‌آفرینی در راهبردهای اساسی خود داشته باشد. برخی از این چرخش‌های تحول‌آفرین که به شکل مستقیم با مسأله رانتِ خلق پول در ارتباط هستند عبارت است از: عدم اکتفا به انجام حداقلی وظایف و استفاده حداکثری از تمامی ظرفیت‌های نظام قضایی؛ مواجهه فعال و ایجابی در حکمرانی قضایی و عدم مواجهه منفعل و پسینی؛ عدم اکتفا به مقابله با مفسدین و تلاش برای شناسایی و حذف بسترهای فسادزا.

مواجهه فعال و ایجابی نظام قضایی برای کنترل مفساد پولی و بانکی باید در سرمنشأ این مفساد صورت پذیرد، اما در حال حاضر که از طریق «خلق بلا محو پول» نوعی تقلب سیستماتیک در پول ملی صورت می‌گیرد، نظام قضایی صرفاً به شکل منفعل و پسینی به برخورد با برخی عوارض ناشی از این تقلب سیستماتیک می‌پردازد؛ برخوردهایی که متناسب با «رویکرد دادخواست محور»، صرفاً با برخی مفسدین مقابله کرده و چون از تمامی ظرفیت‌های نظام قضایی برای حذف بسترهای فسادزا استفاده نمی‌نماید قادر به کنترل کامل مفساد و انجام مأموریت‌های محوله در این خصوص به نحو احسن نیست. از منظر قانون اساسی و سند تحول قضایی، «احیای حقوق عامه»، «پیشگیری از وقوع جرائم» و هم‌چنین «نظارت بر اجرای صحیح قوانین و حسن جریان امور»، سه مأموریت مهم از مأموریت‌های هفت‌گانه نظام قضایی هستند. «حق برخورداری از پول سالم و جلوگیری از تقلب و غش سیستماتیک در پول ملی» با هر سه مأموریت فوق و با مأموریت اصلی قوه یعنی برقراری عدالت ارتباط مستقیم دارد. جنس این حق از جنس حقوق عامه بوده و کنترل آن باعث پیشگیری از عمده مفساد پولی و بانکی خواهد شد.

«پول سالم»^۱ با عناوین مختلفی در ادبیات اقتصادی مورد بحث قرار می‌گیرد. «پول با ثبات»^۲، «پول با عزت»^۳ (در مقابل «پول پست»^۴) و «پول مستحکم»^۵ برخی تعابیر معادل برای اصطلاح پول سالم در ادبیات اقتصادی هستند.^۶ اگرچه معیارها و سنجه‌هایی هم‌چون «ثبات ارزش پول»، «ثبات قیمت‌ها»، «عدم بحران پولی (عدم بحران در پرداخت‌های بانکی)» به عنوان شاخص سلامت پولی در نظر گرفته می‌شوند، اما تعریف دقیق کوتاه و ایجابی از ویژگی‌های پول سالم وجود نداشته و پول سالم بیشتر به صورت سلبی تعریف می‌گردد؛ یعنی مصادیق فساد و تقلب و بیماری در پول مورد بحث قرار گرفته و بر مقررات گذاری در جهت زدودن این مفساد و تقلب‌ها برای

1. Sound money
2. Stable money
3. Dear money
4. Cheap money
5. Tight money

۶. بنگرید به: (Cramp, 2018, p 12715-12718)

رسیدن به پول سالم به عنوان یک حق عمومی تأکید می‌گردد.^۱ شناخت مصادیق و ماهیت فساد و تقلب در پول مدرن امروزی برای نظام قضایی بسیار ضروری بوده و بدون وجود شناخت از ماهیت و ریشه مشکل، امکان ایجاد چرخش‌های تحول‌آفرین در جهت انجام کارآمد مأموریت‌ها ممکن نخواهد بود.

۱. ماهیت حقوقی و اخلاقی «رانت خلق پول» و «تورم»

برای فهم ماهیت حقوقی فرایند خلق پول ابتدا لازم است چگونگی کسب قدرت خرید در بازار به شیوه معمول تشریح شده و در ادامه با کسب قدرت خرید از طریق خلق پول مقایسه گردد. نقش و سهم دولت، بانک مرکزی و نظام بانکی سایر مباحث مهم حقوقی مرتبط با بحث هستند.

۱-۱. شیوه معمول کسب قدرت خرید توسط افراد

قدرت خرید از کجا می‌آید؟ پول، ابزار و محلی برای ذخیره ارزش اقتصادی و قدرت خرید است.^۲ بر این اساس افراد یک جامعه برای کسب پول یا همان قدرت خرید چه باید انجام دهند؟ این سؤالی بنیادین برای شروع بحث خلق پول است.

در یک اقتصاد سالم، افراد برای این که پول داشته و قادر به خرج کردن باشند باید یا کار انجام داده، تولید داشته و نتیجه تولید را به فروش برسانند یا به شکل مشروع (مثلاً آرث و هدیه) از قبل صاحب اموالی بوده و با فروش آن‌ها پول به دست آورند. ایجاد بدهی و استفاده از قدرت خرید دیگران (با رضایت طلبکار و با تعهد بازپرداخت بدهی در آینده) نیز چنین کارکردی دارد. در دزدی و غارت‌گری، قدرت خرید بدون رضایت از جیب عده‌ای به جیب عده‌ای دیگر منتقل می‌شود. رواج دزدی و غارت‌گری در یک جامعه، انگیزه کار و تولید را از بین برده و در نهایت کاهش ثروت و کاهش رشد اقتصادی کل جامعه را در پی دارد. رشد اقتصادی در جامعه‌ای اتفاق می‌افتد که به دست آوردن «پول» یا به عبارت دیگر به دست آوردن «قدرت خرید» منوط به انجام کار و تولید و مالکیت یک ارزش اقتصادی و فروش این ارزش

۱. بنگرید به: (Salerno, 2010)

۲. در ادبیات اقتصادی پول سه ویژگی اساسی دارد: واحد عمومی شمارش و اندازه‌گیری ارزش اقتصادی سایر کالاها؛ ابزار و واسطه مبادلات؛ محل ذخیره ارزش اقتصادی (ذخیره قدرت خرید).

اقتصادی به دیگران باشد تا افراد ارزش تولید شده و در مالکیت خود را به دیگری داده و به جای آن پول گرفته و با آن پول بتوانند تولیدات دیگران را خریداری نمایند. در این چرخه اقتصادی، پول با ایجاد انگیزه برای کار و تولید و با رضایت از جیب عده‌ای خارج شده و به جیب عده‌ای دیگر وارد می‌شود و این چرخه اقتصادی همواره در جریان است. در چنین چرخه پولی، حجم پول در طول زمان ثابت خواهد بود. افزایش حجم پول و نقدینگی در طول زمان نشان می‌دهد که پول جدید به اقتصاد تزریق می‌گردد.

۲-۱. کسب قدرت خرید از طریق جعل و چاپ اسکناس

زدی و غارت‌گری روش‌های نامشروع برای کسب قدرت خرید هستند. جعل اسکناس نیز روشی نامشروع برای کسب قدرت خرید بدون کار و تولید است. فردی که ایران چک یکصد هزار تومانی چاپ می‌کند می‌تواند بدون آن‌که کالا و خدمات و ارزش اقتصادی تولید و عرضه نموده باشد، صاحب قدرت خرید به میزان جعل اسکناس شود. این اسکناس در زمان جعل (خلق شدن اسکناس) به همان میزان به قدرت خرید جاعل (خالق پول جعلی) اضافه می‌نماید. البته هر زمان که جعلی بودن اسکناس کشف شده و اسکناس جعلی مذکور پانچ شده و از چرخه تبادلات خارج شود (محو اسکناس جعلی) آن قدرت خرید نیز از چرخه اقتصادی محو می‌شود. البته نتیجه نهایی این فرایند انتقال قدرت خرید از جیب آخرین فرد به جیب جاعل خواهد بود؛ یعنی در نهایت از ثروت و قدرت خرید آخرین فردی که اسکناس جعلی در دست او بوده کم شده و به ثروت جاعل اسکناس افزوده می‌شود، اما پس از محو اسکناس جعلی، مجموع کل پول در گردش (نقدینگی) جامعه و مجموع قدرت خرید در حال گردش در اقتصاد بدون تغییر باقی می‌ماند.

سؤال تأمل برانگیز مرتبط این است که بزرگ‌ترین و مهم‌ترین خالق اسکناس در اقتصاد کیست؟ بزرگ‌ترین خالق اسکناس دولت و بانک مرکزی هستند.^۱ جعل ایران چک یکصد هزار تومانی در نهایت چیزی به مجموع قدرت خرید در چرخه تبادلات اقتصادی اضافه نمی‌کند؛ زیرا ایران چک جعلی مذکور دست به دست

۱. بحث خواهد شد که سایر بانک‌های تجاری نیز چنین نقشی دارند و می‌توانند چند برابر دولت و بانک مرکزی خلق پول به شکل اعداد الکترونیکی در حساب‌های بانکی (و نه خلق اسکناس) داشته باشند.

می‌چرخد، اما در نهایت جعلی بودن آن کشف شده و از چرخه محو می‌شود، اما پول چاپ شده یا خلق شده توسط بانک مرکزی، اسکناس و پول قانونی کشور بوده و هیچ‌وقت موهومی بودن آن‌ها کشف نشده و از چرخه مبادلات حذف نمی‌شوند. این یعنی با خلق و چاپ پول توسط بانک مرکزی، آن مجموع قدرت خریدی که قبلاً در چرخه تبادلات اقتصاد وجود داشته به شکل پول در جیب افراد باقی می‌ماند، اما قدرت خرید اضافه‌ای که مساوی با پول تازه خلق شده است به این چرخه اضافه می‌شود که با عبارت افزایش نقدینگی توصیف شده و چنانچه تولید کشور افزایش نداشته باشد معمولاً منجر به تورم قیمت‌ها نیز می‌گردد.

۳-۱. دولت و اخذ مالیات تورمی از طریق چاپ پول

اصولاً دولت هم مثل همه مردم و فعالان اقتصادی چنانچه قصد کسب قدرت خرید و کسب پول داشته باشد باید به جامعه و مردم کالا و خدمات بفروشد. اخذ مالیات نیز در واقع دریافت هزینه ارائه کالا و خدمات عمومی است که به شکل خصوصی قابل فروش نیستند. ویژگی مهم مالیات گرفتن از مردم و یا کالا و خدمات به مردم این است که قدرت خرید از جیب برخی از افراد جامعه کاسته شده و به جیب دولت اضافه شده و در نتیجه مجموع قدرت خرید به شکل ذخیره پول (حجم نقدینگی) ثابت باقی می‌ماند، اما اگر دولت بدون آن‌که مالیات بگیرد و یا کالا و خدمات به مردم بفروشد به بانک مرکزی دستور دهد که اسکناس چاپ کند بدون آن‌که در چرخه اقتصادی ارزش افزوده‌ای وارد شود، دولت قدرت خرید و پول به دست می‌آورد و این همان عامل اساسی و ابتدایی پدیده تورم خواهد بود. در ادبیات اقتصادی این عمل دولت نوعی اخذ مالیات محسوب می‌شود، نوعی گرفتن مالیات پنهان از جامعه و در واقع از ضعیف‌ترین اقشار جامعه^۱ که با عنوان «مالیات تورمی» شناخته می‌شود. در این فرایند ارزش افزوده‌ای به اقتصاد اضافه نشده، اما قدرت

۱. افراد ثروتمند جامعه از چند جهت از فرایند خلق پول نفع می‌برند. تورم باعث انتقال ثروت «از جیب طلبکاران به جیب بدهکاران» و «از جیب صاحبان ثروت نقدی و حقوق بگیران به جیب صاحبان ثروت کالایی» (کالا و ملک) می‌شود. «ابربدهکاران» جامعه و «صاحبان عمده ثروت‌های کالایی و ملکی» عموماً همان قشر ثروتمند هستند! هرچند کسب ثروت اغنیا از این طریق قابل توجه است، اما مهم‌ترین کانال افزایش ثروت اغنیا از فرایند خلق پول این است که فقرا امکان خلق پول ندارند، اما ثروتمندان از طریق تأسیس بانک و یا اخذ وام کلان می‌توانند از این رانت استفاده کنند.

خرید اضافه‌ای به میزان پول خلق شده ایجاد شده و نتیجه آن تورم خواهد بود. البته این قدرت خرید اضافه به دلایل مختلف ممکن است خود را به شکل تورم قیمت‌ها نشان ندهد، اما عدم بروز تورم به معنای صحت حقوقی فرایند خلق پول نخواهد بود. اقتضای رشد اقتصادی، کاهش سطح عمومی قیمت‌ها بوده و اثر تورمی خلق پول ممکن است با اثر ضد تورمی رشد اقتصادی خنثی گردد. حتی ممکن است در کوتاه مدت پول خلق شده منجر به تقاضای مؤثر کالا و خدمات نگردد و به شکل سپرده بلند مدت رسوب کرده و موقتاً از چرخه تبادلات خارج گردد. در تمام این حالات، ممکن است خلق پول جدید در کوتاه مدت منجر به تورم نشود، اما در هر صورت باعث افزایش ثروت خالق پول شده و معمولاً در بلند مدت نیز اثر تورمی خود را خواهد گذاشت. مسأله اساسی در این فرایند همان افزایش قدرت خرید و افزایش ثروت خالق پول است که ماهیتی حقوقی و اخلاقی داشته و البته این جنبه حقوقی افزایش حجم پول و نقدینگی کاملاً مغفول واقع می‌شود.

۴-۱. خلق پول مدرن امروزی در بانک‌های تجاری

ممکن است تصور شود که فقط بانک مرکزی و دولت، منتشرکنندگان (خالقان) انحصاری پول بوده و می‌توانند قدرت خرید بدون خلق ارزش به دست بیاورند، در حالی که امروزه سایر بانک‌ها غیر از بانک مرکزی نیز قادر به خلق پول به شکل اعداد الکترونیک در حساب‌های بانکی هستند. امروزه سهم اسکناس بانک مرکزی از پول بسیار ناچیز و کمتر از دو درصد مجموع پول کشور بوده و تقریباً تمام پول در جریان در کشور از جنس اعداد الکترونیکی است^۱ که توسط بانک‌ها خلق می‌شود.^۲ این اعداد الکترونیک ماهیتی کاملاً حقوقی از جنس رسید الکترونیک بدهی دارند. در ادامه تشریح خواهد شد که چگونه ماهیت پول امروزی از جنس سند الکترونیک بدهی بوده و این اعداد الکترونیک در حساب‌های بانکی چیزی جز بدهی شبکه بانکی به مردم نیست و مردم نیز این بدهی بانک‌ها را به عنوان پول قبول کرده و با آن مبادله

۱. بر اساس آمار منتشره بانک مرکزی: نماگرهای اقتصادی شماره ۱۱۴، سه ماهه سوم سال ۱۴۰۲.
 ۲. بر اساس بند الف ماده ۲ قانون پولی و بانکی کشور (۱۳۵۱) که با قانون بانک مرکزی (۱۴۰۲) نسخ شده، پول رایج کشور به صورت اسکناس و سکه‌های فلزی قابل انتشار بوده و این نشان دهنده عدم تطابق جدی قوانین کشور با تحولات مدرن پولی بوده است. در قوانین جدید نیز تصریحی در خصوص پول الکترونیک خلق شده توسط بانک‌های تجاری وجود ندارد.

می‌کنند. بر این اساس تقریباً تمام پول در گردش در کشور توسط شبکه بانکی و از هیچ خلق می‌شود و این واقعیت دلالت‌های مهمی از منظر مبارزه با فساد و صیانت از حقوق عامه خواهد داشت. صدور بی‌رویه سند بدهی توسط یک عامل اقتصادی مورد اعتماد مردم (تضمین‌شده توسط بانک مرکزی) بدون بازپرداخت متناسب این اسناد بدهی، یک تقلب پنهان و تعرض بزرگ مقیاس به حقوق عامه خواهد بود.

۵-۱. ماهیت حقوقی خلق پول و لزوم صیانت از حقوق عامه

هنگامی که پول رایج یک کشور از جنس طلا و نقره باشد این نوع پول ذاتاً ماهیتی حقوقی نداشته و موجودیتی فیزیکی دارد. تقلب در این نوع پول باعث می‌شود تا این نوع پول نیز جنبه‌های حقوقی و اخلاقی تبعی داشته باشد، اما پول مدرن امروزی اصولاً هیچ ماهیت فیزیکی ندارد، بلکه ذاتاً از جنس «بدهی» بوده و به همین دلیل ماهیت حقوقی آن امری تبعی نیست، بلکه ذاتاً یک پدیده حقوقی می‌باشد؛ زیرا پدیده طلب و بدهی ذاتاً اموری حقوقی هستند. البته امکان تقلب گسترده در انتشار این نوع پول به شدت بر جنبه‌های حقوقی و اخلاقی این نوع پول می‌افزاید. صحت شرعی خلق پول توسط بانک‌ها محل مناقشات فقهی است،^۱ اما در این مقاله ورود تفضیلی به جنبه فقهی موضوع نداشته و خلق پول را امری حاکمیتی و مستحدثه در نظر می‌گیریم که در صورت وجود توازن بین «رانت اعطا شده» و «مسئولیت اجتماعی و توسعه‌ای» بانک قابل تجویز شرعی خواهد بود. اصولاً کسب قدرت خرید از طریق ایجاد بدهی امر نامشروعی نیست البته مشروط بر این که در نهایت بدهی ایجاد شده به شکل واقعی بازپرداخت گردد. فارغ از مباحث فقهی، جنبه مهم حقوقی و عملیاتی این فرایند برای نظام قضایی این است که در فرایند خلق پول جامعه با ایجاد مداوم انبوهی از بدهی و پرداخت بخشی از آن و عدم پرداخت همه آن مواجه است. وام‌های کلان معوق شده از این جنس هستند. بزرگ شدن ترازنامه بانک‌ها و افزایش بدهکاری بانک‌ها به بانک مرکزی نیز از این جنس است. شبکه بانکی از طریق خلق چنین بدهی‌هایی که پرداخت نمی‌شوند خلق پول انجام می‌دهد. فهم این ماهیت و فرایندهای مربوطه، کلید مقابله با مفسدات بانکی چه از نوع آشکار و

۱. برای نمونه، بنگرید به: فراهانی فرد و خوش‌اخلاق (۱۴۰۲)، عربی و همکاران (۱۴۰۱)، محققیان و توکلی (۱۴۰۱) و خوش‌نقش (۱۴۰۰). بسیاری از این نوع پژوهش‌ها خلق پول را صراحتاً یا به شکل ضمنی مصداق اکل مال به باطل، ظلم و بی‌عدالتی و ضرر دانسته‌اند.

چه از نوع پنهان آن است.

در ابتدای مقاله اشاره شد که پول امروزی چیزی جز سند بدهی نیست. «اسکناس» و «ایران چک» منتشر شده توسط بانک مرکزی از جنس سند و رسید بدهی بانک مرکزی هستند. تا چند سال گذشته بانک‌های تجاری نیز برای خودشان تراول چک چاپ می‌کردند^۱ که آن هم از جنس سند بدهی بوده و صاحب آن می‌توانست از هر شعبه آن بانک، طلب خود از بانک منتشرکننده را وصول کرده و اسکناس بانک مرکزی تحویل بگیرد. در این حالت فرد سند بدهی بانک تجاری (تراول چک) را داده و در قبال آن سند بدهی بانک مرکزی (اسکناس) می‌گرفت. به‌طور مشابه عدد الکترونیکی که بانک مرکزی با آن حساب بانکی دولت و سایر بانک‌ها را شارژ می‌کند نیز از جنس همین سند بدهی است. عدد الکترونیکی که بانک‌ها با آن حساب مردم را شارژ می‌کنند نیز از جنس همین سند بدهی است. وقتی در حساب فردی عدد (الکترونیکی) یک میلیون ریال وجود دارد یعنی وی از بانک مذکور یک میلیون ریال طلبکار بوده و وقتی با کشیدن کارت یا صدور چک خرید انجام می‌دهد در واقع طلب خود را به فروشنده کالا واگذار کرده و فروشنده از بانک طلب‌کار شده و رسید این طلب نیز همان موجودی اعداد انتقال یافته به حسابش خواهد بود. ممکن است تصور شود که این سندهای کاغذی و الکترونیکی در جایی دارای یک پشتوانه کالایی مثل طلا هستند که متناسب با آن موجودی واقعی، این سندهای بدهی صادر می‌شوند، اما این تصور اشتباه است. در حال حاضر پشتوانه به شکل طلا یا به شکل هر کالای اقتصادی دیگر کاملاً منتفی است^۲، حتی این تصور که اعداد الکترونیکی شارژ شده در حساب‌های بانکی مردم که اگرچه الکترونیکی هستند، اما پشتوانه‌ای از جنس اسکناس کاغذی بانک مرکزی دارند نیز اشتباه است. امروزه اسکناس چیزی در حد دو درصد از کل پول در دست مردم و بانک‌ها را تشکیل می‌دهد و نود و

۱. سیاست حذف این تراول چک‌ها و انحصار چاپ ایران چک در دست بانک مرکزی، سیاست صحیح و ضروری در جهت تسلط بیشتر بانک مرکزی بر نظام پولی بود که چند سال قبل به درستی تشخیص داده شده و اجرا گردید.

۲. این واقعیت را با مفاد ماده یک (نسخ شده) قانون پولی و بانکی کشور مقایسه کنید: ب - یک ریال برابر یک‌صد و هشت هزار و پنجاه و پنج ده میلیونیم ۰,۰۱۰۸۰۵۵ گرم طلای خالص است. ج - تغییر برابری ریال نسبت به طلا به پیشنهاد بانک مرکزی ایران و موافقت وزیر دارایی و تأیید هیأت وزیران و تصویب کمیسیون‌های دارایی مجلسین میسر خواهد بود.

هشت درصد پول صرفاً عدد الکترونیکی است که هیچ پشتوانه‌ای نه از جنس طلا و نه حتی از جنس کاغذ بانک مرکزی ندارد. این یک وضعیت اقتصادی و حقوقی خاص است که ایجاد آن به یک‌باره ممکن نبوده؛ چراکه مردم به چنین رسیدها و چنین پول بدون پشتوانه‌ای به هیچ‌وجه اعتماد نخواهند کرد، اما امروزه به مرور زمان مردم این وضعیت را قبول کرده و ریال با این شرایط را به عنوان واسطه مبادله و پول می‌پذیرند.

در گذشته‌های دور نیز همواره بخشی از پول ماهیتی از جنس بدهی داشته است. قصاب می‌توانسته طلب خود از همسایه‌ها را به بقال منتقل کند و از وی کالا بخرد. برای تجار نیز این امکان وجود داشت تا بر اساس طلب خود از یک تاجر یا فرد سرشناس و با رسیدی که از وی داشتند در شهری دیگر خرید انجام داده و آن رسید به جای پول در بین تجار پذیرفته می‌شد. مسأله اساسی در همه این مثال‌های تاریخی، «واقعی بودن» این سندهای بدهی است. از نظر فقهی نیز خرید و فروش دین واقعی بلااشکال است، اما وضعیت فعلی نظام پولی و بانکی کشور مشابه وضعیتی است که در آن یک تاجر یا فرد سرشناس که رسیدش به عنوان پول قابل قبول است از اعتماد عمومی سوءاستفاده کرده و برای خودش و اطرافیانش به شکل بی‌ضابطه رسیدهای «صوری» صادر می‌کند. می‌توان توضیح داد که اگر چند تاجر (در واقع چند بانک) به شکل هماهنگ و متناسب با هم این کار را انجام دهند، تقلب آن‌ها هیچ‌گاه کشف نخواهد شد و همواره هر رسیدی با یک رسید جدید در این شبکه پاسخ داده خواهد شد.^۱

اگر فردی در خانه پول چاپ کند قانون و دستگاه قضا عمل وی را مصداق «اکل مال به باطل» و «تحصیل مال نامشروع» دانسته و با وی برخورد خواهد نمود، اما اگر همین عمل را نظام بانکی در مقیاسی وسیع‌تر انجام دهد قانون و قضا متعرض وی نخواهند شد. این یعنی با اکل باطل و دزدی در مقیاس کوچک (عمل واضح و قابل مشاهده) برخورد خواهد شد، اما همین عمل اگر در مقیاس وسیع انجام شده و به شکل مشترک و آمیخته با عمل صحیح شبکه بانکی باشد دیگر قانون و دستگاه قضا با آن کاری ندارد. تشبیه «پول امروزی» به «چک» یک تصویر اولیه بسیار ساده‌ای از این

۱. برای جزئیات تفصیلی، بنگرید به: اقدس‌طینت (۱۴۰۱: ۱۷-۳۲)

موضوع پیچیده به ما می‌دهد. چک هم از جنس سند بدهی است. افراد حق دارند چک بکشند، اما منطقاً نباید مجموع مبالغ کل چک‌های صادره یک فرد که در دست مردم قرار دارد به شکل غیرمنطقی و غیرمتناسب با گسترش وضعیت تجاری و اقتصادی وی افزایش مداوم داشته باشد؛ یعنی اگر فردی تغییر چندانی در کسب و کار و گردش کار خود ایجاد نکرده باشد، اما مجموع چک‌های وی در دست مردم چند برابر گردد می‌توان از بررسی کلیت ماجرا استنباط نمود که وی احتمالاً مشغول سوءاستفاده از اعتماد مردم بوده و با ایجاد بدهی در حال افزایش ثروت خود می‌باشد. رصد این که کدام یک از چک‌های وی صوری بوده بسیار مشکل خواهد بود، اما در مجموع و از کلیت ماجرا به یقین می‌دانیم که بخشی از چک‌های وی صوری است. استخری را در نظر بگیرید که در هر لحظه ورودی و خروجی دارد و این ورود و خروج دائم در حال کم و زیاد شدن است، زمانی خروجی بیشتر است و زمانی ورودی بیشتر است و این طبیعت استخر است (طبیعت کسب و کار نیز کم و زیاد شدن بدهی است)، اما اگر آب این استخر که منطقاً باید متعادل باشد همواره در حال کم شدن باشد این نشانه یقینی برای ناظر خواهد بود که خروج بر ورود پیشی گرفته و این می‌تواند ناشی از دست‌کاری عامدانه باشد. به‌طور مشابه در مواجهه با نظام پولی و بانکی، دادستانی کل به‌عنوان مسؤول صیانت از حقوق عامه و هم‌چنین یکی از اعضای هیأت عالی بانک مرکزی (جایگزین شورای پول اعتبار)،^۱ نمی‌تواند روی تک‌تک جزئیات فرایند خلق پول دست گذاشته و صحت آن را بررسی کند؛ زیرا طبیعت نظام بانکی ایجاد بدهی و محو بدهی یا بر اساس تمثیل ذکر شده قبلی، طبیعت عملیاتی بانک‌داری شبیه چک کشیدن و پاس کردن چک است. بانک به شکل قانونی چنین حقی را دارد همان‌گونه که همه چنین حقی را دارند، با این تفاوت که بدهی ایجاد شده توسط بانک تجاری از طرف بانک مرکزی تضمین شده است. اعطای چنین حقی به بانک توجیه اقتصادی دارد. خلق پول، ایجاد بدهی، اعطای اعتبار، همه هم‌ارز یکدیگر هستند؛ زیرا پول مدرن امروزی چیزی جز بدهی و اعتبار نیست. اعطای اعتبار (خلق پول) برای فعالان اقتصادی نیازمند اعتبار (نیازمند پول) که در آینده قادر به تسویه بدهی خود هستند، جریان تولید اقتصادی و مبادلات را تسهیل می‌نماید، اما این فرایند به شدت

۱. برای بحث بیشتر در خصوص وظایف دادستان، بنگرید به: نکونام گلپایگانی (۱۳۹۶).

مستعد سوءاستفاده و انحراف است. ضوابط بانکداری مرکزی و استانداردهای جهانی بانکداری همه با این هدف طراحی شده‌اند تا این ابزار خطرناک کنترل شده و منافع آن برای جامعه حداکثر گردد. حوزه پولی و بانکی به شدت مستعد وقوع تعرض به حقوق عامه است، اما ورود مستقیم دادگاه‌ها و دادستانی به جزئیات خلق پول و عملیات بانکداری نه ممکن و نه مؤثر است، اما اگر دادستانی کلیت فرایند در حال وقوع را فهم نماید آن‌گاه می‌تواند از طریق فشار بر بانک مرکزی^۱ و نه از طریق فشار بر تک‌تک بانک‌ها، در این موضوع ورود مؤثر داشته باشد. کلیت فرایند مذکور بسیار ساده است، اما از شدت سادگی و به دلیل بزرگی پدیده و هم‌چنین به دلیل تدریجی بودن ماجرا همگان و از جمله دستگاه قضا به آن عادت کرده و انبوه درختان به ما اجازه دیدن جنگل را نمی‌دهند در حالی که کاملاً در میان جنگل ایستاده‌ایم.

۲. کنترل مفاسد پولی و بانکی در سرمنشأ

تجاوز به حقوق عامه در فرایند خلق پول در شبکه بانکی بسیار جدی بوده و سوءاستفاده از رانت خلق پول در شبکه بانکی به شدت بر معیشت و رفاه مردم عادی اثرگذار است. با این حال نظام قضایی در این خصوص صرفاً به شکل موردی و بسیار محدود ورود داشته است. همواره برخی پرونده‌های فساد بانکی در نظام قضایی مطرح و در حال رسیدگی هستند، جلسات متعدد و طولانی دادگاه با حاشیه فراوان برگزار شده و در نهایت احکامی صادر شده و ممکن است با افرادی که معمولاً به عنوان سلاطین در رسانه‌ها مطرح هستند برخورد صورت گرفته و حتی این افراد اعدام شوند، ولی سؤال اساسی این است که آیا با این برخوردهای موردی و با اعدام این سلاطین، مفاسد اقتصادی و مفاسد پولی و بانکی کشور رفع می‌شوند؟ آیا با وجود بستر فساد این مفاسد مجدداً تکرار نمی‌شوند؟ لذا لازم است تا به جای مقابله با مفسدان و به جای مقابله با علامت بیماری، به درمان ریشه‌ای بیماری بپردازیم.^۲

۱. بانک مرکزی هم «ناظر» و هم اساساً «ایجادکننده بستر فنی» این فرایند است و لذا به دلایل فنی و زیرساختی به راحتی توان کنترل این فرایند را خواهد داشت. همه راه‌حل‌ها در هنگام اجرا به بانک مرکزی برمی‌گردند و این نشان‌دهنده اهمیت قواعد بانکداری مرکزی است. در نهایت آنچه نظام قضایی به دنبال آن است (عدالت و صحت روابط مالی مردم) از طریق بانک مرکزی و فرایندهای پیشینی مبارزه با فساد قابل حصول است و نه صرفاً از طریق برگزاری دادگاه‌های پسینی مبارزه با مفاسد پولی و بانکی.

۲. یکی از چرخش‌های تحول‌آفرین مدنظر سند تحول قوه قضائیه «تلاش برای شناخت و حذف

۱-۲. رانت خلق پول، ریشه و هسته مرکزی مفاسد پولی و بانکی

در قسمت قبل بحث شد که خلق پول در نظام بانکی کشور از جنس ایجاد و انباشت مداوم «بدهی‌های پرداخت نشده» است؛ به عبارت دیگر قدرت خرید به دست آمده از رانت خلق پول از جنس «خرید کالا و خدمات و دارایی از طریق ایجاد بدهکاری» است که بخش قابل توجهی از آن بدهی هیچ‌گاه بازپرداخت نشده و در نهایت با توجه به این‌که این اعداد بدهی (رسید طلب از بانک) در اقتصاد نقش پول و واسطه مبادلات را پیدا کرده‌اند، افزایش بدهی شبکه بانکی خود را به شکل افزایش نقدینگی در اقتصاد نشان می‌دهد. بانک با ایجاد بدهی (خلق اعداد در حساب‌ها) قادر به خرید ملک، دلار، طلا و سایر دارایی‌ها بوده و چون همه بانک‌ها با یکدیگر این عمل را انجام می‌دهند در اتاق پایاپای و برای تسویه پرداخت‌ها دچار کسری پرداخت بدهی بین خودشان نمی‌شوند و صرفاً کسر کوچکی از خلق پول به شکل اضافه برداشت درآمده و با نرخ جریمه پایین، بانک‌های خالق پول به بانک مرکزی بدهکار می‌شوند. بانک‌ها از طریق این اضافه برداشت می‌توانند هزاران میلیارد تومان پول خلق کرده و بخشی از آن را به عاملان اقتصادی و مردم عادی متقاضی وام اختصاص دهند، اما بخش عمده آن را به شرکت‌های زیرمجموعه خودشان اختصاص داده و یا برای خرید دارایی‌های تورمی مثل دلار، طلا، املاک و یا سهام استفاده نمایند. هر یک میلیارد تومان افزایش نقدینگی در اقتصاد به این معنی است یک میلیارد تومان بدهی بازپرداخت نشده نظام بانکی به اقتصاد افزایش یافته است. هیچ فعالیتی سودآورتر از ایجاد بدهی که هیچ‌گاه مطالبه نخواهد شد نیست. بر این اساس رانت امکان ایجاد بدهی (رانت خلق پول بانکی) یکی از بزرگ‌ترین رانت‌های قابل دستیابی در یک اقتصاد بدون نظارت بوده و وسوسه دسترسی به منافع مرتبط با این رانت ریشه مفاسد پولی و بانکی خواهد بود. دسترسی به این رانت به سه روش ممکن خواهد بود:

۱. «تأسیس بانک» و اعطای وام کلان و خلق پول برای خود و افراد مرتبط؛^۱

بسترهای فسادزا به جای مقابله صرف با مفسدین» است.
۱. پرونده عملکرد بانک آینده مصداقی از این نوع رانت‌جویی است.

۲. «در دست گرفتن مدیریت یک بانک از قبل موجود» و اعطای وام کلان و خلق پول برای خود و افراد مرتبط؛^۱

۳. «رشوه به مدیران بانکی» برای اخذ وام کلان.

هر نوع پرداخت بانک اعم از اعطای وام به دیگران یا به زیرمجموعه خود بانک، خرید املاک و دارایی، خرید کالا و خدمات و پرداخت حقوق و پاداش به مدیران بانک‌ها نوعی خلق پول است.^۲ اعطای وام^۳ و بازپرداخت آن و به عبارت دیگر خلق پول و محو آن طبیعت بانک‌داری بوده و نظارت بر خلق و محو این نوع بدهی‌ها بر عهده بانک مرکزی است، اما افزایش مداوم بدهی شبکه بانکی نشانه عدم نظارت مؤثر و معیوب بودن فرایندهای مرتبط است. هیچ‌یک از مردم عادی نمی‌توانند بازپرداخت این نوع بدهی‌ها را پیگیری کنند و لازم است مدعی‌العموم خواستار بازپرداخت متناسب و منظم این بدهی‌ها باشد. ایجاد چنین بدهی‌هایی به ویژه اگر کلان؛ باشند سودآوری بسیار هنگفتی به دنبال دارد و به همین دلیل برخلاف ظاهر ماجرا که بانک‌ها خود را زیان‌ده نشان می‌دهند با تقاضای مداوم برای تأسیس بانک جدید مواجه هستیم. باید توجه نمود که وجود زیان انباشته در ترازنامه‌های بانکی چیز عجیب و غیرطبیعی نیست؛ زیرا ذات فرایند خلق پول توسط بانک، ایجاد حداکثری بدهی می‌باشد و در واقع زیان انباشته بیشتر در ترازنامه بانک می‌تواند نشانه سودآوری پنهان و بهره‌برداری حداکثری از رانت مذکور نیز باشد. با نگاهی به ماهیت فرایند خلق پول (ایجاد بدهکاری بدون بازپرداخت آن) می‌توان ادعا نمود که رانت خلق پول در کنار عدم فهم و عدم کنترل آن، ریشه مفاسد پولی و بانکی در نظام اقتصادی ایران است. بانک از چنین قدرتی برای خلق رسید بدهی به شکل اعداد الکترونیک بدون بازپرداخت متناسب این رسیدها برخوردار بوده و رانت جویان و مفسدان اقتصادی برای کسب ثروت بیشتر همواره متقاضی تأسیس یک بانک جدید و یا به دنبال به

۱. پرونده‌های قضایی تشکیل شده پیرامون بانک سرمایه مصداقی از این نوع رانت جویی است.

۲. برای مطالعه بیشتر در این خصوص که خلق پول مدرن امروزی چگونه صورت می‌پذیرد، بنگرید به: McLeay, Radia & Thomas (2014)؛ اقدس طینت (۱۴۰۱).

۳. اعطای وام مهم‌ترین روش خلق پول است. با بازپرداخت، پول خلق‌شده محو می‌گردد. افزایش نقدینگی یعنی فزونی پرداخت وام بر بازپرداخت که بیانی دیگر از ایجاد بدهکاری پرداخت‌نشده تشریح شده در قسمت قبل می‌باشد.

۴. دقت شود که موضوع اصلی پرونده‌های مفاسد بانکی همین بدهکاری‌های کلان است.

دست گرفتن کنترل یک بانک از قبل موجود خواهند بود. اصولاً پرداخت رشوه‌های خرد و کلان به مدیران بانکی نیز برای به جیب زدن بخش هر چه بزرگ‌تری از همین رانت است. جالب اینجاست که اصولاً تأسیس یک بانک و سوءاستفاده از آن برای کسب ثروت از طریق خلق ریال جدید هیچ‌گاه مورد توجه و تعقیب دستگاه قضا واقع نخواهد شد؛ چراکه نه رشوه‌ای و نه شکایتی در کار نیست و لذا مُفسد اقتصادی اگر بانک تأسیس کند از تعقیب دور خواهد بود، اما اگر رشوه دهد تا کنترل بانک را به دست گیرد ممکن است مورد تعقیب واقع شود!

۲-۲. لزوم کنترل فساد ناشی از خلق پول در سرمنشأ و نه در دادگاه

مقابله با مفساد پولی و بانکی باید از سرمنشأ و مبتنی بر صیانت از مخزن طلایی رانتِ خلق پول (امکان صدور رسید بدهی بدون بازپرداخت) باشد. تا زمانی که دسترسی به این مخزن برای مفسدان ممکن باشد، کنترل مفسد در انتهای مسیر و در دادگاه، غیر مؤثر و غیربازدارنده خواهد بود. کنترل دسترسی به این مخزن رانتی باید بر اساس ضوابط توسعه‌ای و مبتنی بر توازن حق و تکلیف باشد یعنی اعطای این حق و رانت به بانک باید همراه با ایجاد تکلیف توسعه‌ای برای بانک باشد. بر این اساس و با کنترل فرایند خلق پول و اجرای ضوابط متروک در این خصوص با صرف توان بسیار کمتر و با دردسر و حاشیه بسیار کمتر برای نظام قضایی، عمده مفساد پولی و بانکی مبتنی بر رانت خلق پول در سرمنشأ کنترل شده و دخالت محکمه‌ای نظام قضایی بلاوجه خواهد شد. اثرگذاری نظام قضایی بر این فرایند، اگرچه فعال و پیشینی است، اما غیرمستقیم و از طریق بانک مرکزی خواهد بود.^۱ کنترل پیشینی فرایند خلق پول در مبدأ آن و از طریق فشار برای عدم ترک فعل نظارتی بانک مرکزی، بسیار راحت‌تر و مؤثرتر از برخورد با مفساد پولی و بانکی در دادگاه است، اما شرط اولیه امکان چنین اثرگذاری، فهم خود فرایند خلق پول توسط نظام قضایی می‌باشد. در واقع «ناظر غیرمستقیم» این فرایند که مسؤول مستقیم صیانت از حقوق عامه است، چنانچه فرایند خلق پول را نشناسد نخواهد توانست نظارت مؤثر را بر «ناظر اصلی و مستقیم نظام بانکی» انجام دهد. عدم کارایی نظارت قضایی بر نظام بانکی کشور از همین منظر قابل توضیح است.

۱. بنگرید به: اقدس طینت (۱۴۰۲).

برآمد

۱- در این نوشتار تلاش شد تا به شکل خلاصه کلیدی از آنچه در نظام بانکی کشور در حال وقوع است و ارتباط آن با وظایف مهم نظام قضایی یعنی «برقراری عدالت»، «مبارزه با فساد» و «صیانت از حقوق عامه» تشریح گردد. مهم‌ترین محور مباحث مطرح‌شده، ناشناخته بودن موضوع خلق پول در سطح عمومی کشور و در بدنه نظام قضایی است. بحث گردید که بدون حصول شناخت از کلیت فرایند خلق پول، نظام قضایی و دادستانی قادر به ایفای وظایف خود در این خصوص نخواهند بود.

۲- افزایش نقدینگی (خلق پول) با اعطای وام بانکی و هرگونه پرداخت توسط خود بانک‌ها صورت می‌پذیرد. بانک می‌تواند با اعطای وام به دیگران یا اعطای وام به خودش (اعطای وام به افراد مرتبط و شرکت‌های زیرمجموعه) نقدینگی و قدرت خرید خود را در اقتصاد افزایش دهد.

۳- امروزه بانک‌ها با امکان خلق ارزان قیمت پول و بدون کار و تولید قادرند به ویژه برای خود و اطرافیان، قدرت خرید ایجاد نموده و ثروت‌اندوزی کلان داشته باشند. این ثروت‌اندوزی به قیمت فقیر شدن اقشار ضعیف جامعه حاصل می‌شود. در این ثروت‌اندوزی غارت‌گونه، به شکل پنهان، سلامت و درستی پول ملی (ریال) مورد تعرض قرار گرفته و با کاهش ارزش پول ملی ثروت اقشاری خاص از جامعه افزایش می‌یابد. خلق پول (ایجاد بدهی بانکی بدون بازپرداخت) بزرگ‌ترین رانت و فساد در اقتصاد کشور بوده، اما ناشناخته و مغفول باقی مانده است.

۴- پول ابرار عمومی مبادله همه مردم و محل ذخیره ارزش‌های اقتصادی بوده و تجاوز و تقلب در پول حتی بدون در نظر گرفتن تبعات منفی اقتصادی آن (هم‌چون تورم)، نوعی تجاوز به حقوق همه مردم محسوب می‌شود. در شرایط فعلی اقتصاد ایران که پول ملی از طریق فرایندهای معیوب در نظام بانکی مورد تعرض و تقلب گسترده قرار می‌گیرد، سلامت فرایند خلق پول (حق پول سالم) مصداقی مهم از حقوق عامه بوده و باید جزو وظایف اصلی نظام قضایی محسوب شده و مورد توجه دادستان‌ها باشد.

۵- شناخت کلیت فرایندهای پولی و بانکی و فهم ماهیت و جنس پول امروزی

(بدهی به عنوان پول) و ارتباط آن با وظایف و مأموریت‌های نظام قضایی شرط اصلی صیانت از حقوق عامه در حوزه پولی و بانکی و حرکت از انفعال به سمت نظارت فعال توسط نظام قضایی خواهد بود. برخورد با سلاطین فساد و مجازات آن‌ها مشکل مفسد پولی و بانکی را حل نمی‌کند؛ چرا که سرمنشأ این مفسد یعنی رانت دسترسی به پول ارزان قیمت، افراد جدیدی را جایگزین مفسدان قبلی خواهد کرد. امکان خلق پول هم‌چون یک مخزن طلا افراد را وسوسه نموده و کارآفرینان و سربازان نظام اقتصادی کشور را به فساد می‌کشاند. تا این مخزن رانتی بدون کنترل مؤثر در اختیار شبکه بانکی باشد این مفسد غیرقابل حذف خواهند بود.

۶- لازم است تا مفسد پولی در سرمنشأ آن‌ها یعنی از خزانه بانک مرکزی کنترل شوند و نه در انتهای مسیر و یا در محکمه مورد رسیدگی پسینی واقع شوند. صیانت اصلی باید صیانت از خزانه بانک مرکزی و کنترل فرایند خلق پول باشد. البته مسئولیت اصلی و مستقیم کنترل خلق پول با بانک مرکزی و دولت و مجلس بوده و بانک مرکزی نیز ابزارهای کافی برای این هدف را در اختیار دارد. ورود مستقیم اجرایی برای کنترل خلق پول در شأن و توان نظام قضایی نیست، اما چنانچه نظام قضایی فرایند مذکور را فهم نماید با فشار بر بانک مرکزی و به شکل غیرمستقیم قادر خواهد بود تا به شکل پیشینی بر کنترل مفسد پولی و بانکی اثرگذار بوده و وظیفه صیانت از سلامت پول ملی و حقوق عمومی مرتبط با پول را ایفا نماید.

فهرست منابع

الف. فارسی

- * اقدس طینت، جواد (۱۴۰۱)، بانک‌داری مرکزی از منظر وظایف و مأموریت‌های قوه قضاییه، گزارش پژوهشی پژوهشگاه قوه قضاییه.
- * اقدس طینت، جواد (۱۴۰۲)، «قوه قضائیه و لزوم اتخاذ سیاست فعال در خصوص خلق پول (حذف بستر مفسد پولی و بانکی)»، در: مجموعه مباحث همایش فساد اقتصادی و اداری، از پیشگیری تا مقابله، تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی.
- * بانک مرکزی (۱۴۰۲)، **نماگرهای اقتصادی**، شماره ۱۱۴، سه ماهه سوم، سال ۱۴۰۲.
- * پیغامی، عادل (۱۳۹۴)، درآمدی بر مبادی نظریه درون‌زایی پول و دلالت‌های سیاستی آن برای اقتصاد ایران، تهران: مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- * حسینی دولت‌آبادی، سید مهدی (۱۳۹۷)، «ترتیبات خلق پول عادلانه»، فصل‌نامه تحقیقات بنیادین علوم انسانی، دوره ۴(۲)، شماره ۱۱.
- * خسروی، میثم (۱۴۰۰)، **اظهارنظر کارشناسی درباره طرح بانک‌داری جمهوری اسلامی ایران**، قسمت بانک‌داری مرکزی، معاونت مطالعات اقتصادی مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- * خوش‌نقش، هادی (۱۴۰۰)، «خلق پول از دیدگاه امامیه و با نگاهی به قوانین موضوعه»، فصل‌نامه جستارهای فقهی و اصولی، دوره ۷(۱)، شماره ۲۲.
- * روحانی، سید علی (۱۳۹۷)، «ماهیت بانک و فرایند خلق پول بانکی: نقد دیدگاه‌های رایج و دلالت‌ها»، دو فصل‌نامه علمی پژوهشی جستارهای اقتصاد ایران، دوره ۱۵، شماره ۲۹.
- * فراهانی فرد، سعید و خوش‌اخلاق، مهدی (۱۴۰۲)، «بررسی فقهی خلق پول درونی با تأکید بر قاعده لاضرر»، پژوهش‌نامه فقه اجتماعی، دوره ۱۲(۱)، شماره ۲۳.
- * عربی، سید هادی و فراهانی فرد، سعید و خوش‌اخلاق، مهدی (۱۴۰۱)، «بررسی

فقهی خلق پول درونی با تأکید بر قاعده اکل مال به باطل»، فصل‌نامه علمی و پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۲۲، شماره ۸۸.

* عیسوی، محمود (۱۴۰۲)، «بررسی فقهی و اقتصادی خلق پول»، فصل‌نامه علمی پژوهشی اقتصاد اسلامی، دوره ۲۳، شماره ۹۰.

* کاظمی نجف‌آبادی، مصطفی و حاجی‌پور، یاسر (۱۴۰۱)، «تحلیل فقهی خلق پول بانک خصوصی از منظر عدالت و ظلم»، دو فصل‌نامه جستارهای اقتصادی ایران با رویکرد اقتصاد اسلامی، دوره ۱۹، شماره ۳۸.

* محققیان، مهدی و توکلی، احمدرضا (۱۴۰۱)، «تأملی در حکم فقهی خلق پول»، آموزه‌های فقه مدنی، دوره ۱۴، شماره ۲۶.

* مؤمنی، فرشاد و شاکری، عباس و مقیسه، محسن (۱۳۹۹)، «نقد نظریه ضریب فزاینده پایه پولی و برخی دلالت‌های اقتصاد کلان نظریه خلق اعتبار بانکی»، فصل‌نامه اقتصاد و الگوسازی، دوره ۱۱، شماره ۴۲.

* نکونام گلپایگانی، محمدابراهیم (۱۳۹۶)، جایگاه و برخی از تکالیف و اختیارات دادستان کل کشور، تهران: صبا.

* هولسمن، یورگ گوئیدو (۱۳۷۵)، اخلاق تولید پول، برگردان: سید امیرحسین ابوطالبی، چاپ نخست (۱۳۹۲)، تهران: دنیای اقتصاد.

ب. انگلیسی

* Cramp, A.B. (2018), **Sound Money**, The New Palgrave Dictionary of Economics, Macmillan Publishers Ltd.

* McLeay, Michael; Radia, Amar & Thomas, Ryland (2014), "**Money creation in the modern economy**", Bank of England Quarterly Bulletin, Bank of England, Vol. 54(1).

* Salerno, Joseph T. (2010), **Money, Sound and Unsound**, Ludwig von Mises Institute.